

کاسبی روانشناسی موفقیت برای پولدار شدن در اینستاگرام اوج گرفته

## راهزن‌های گردنه اینستاگرام

به خاطرش از شما پول می‌گیرند! بله، در این شرایطی که هیچ چیز سر جایش نیست و مطالبات و چشم‌اندازها رنگ آرزو و رویا گرفته‌اند و دست‌نیافتنی شده‌اند، عده‌ای با آرزو فروشی و تکیه بر فن سخنوری و یک سری تکنیک‌های ساده روانی حسابی ثروت آندوزی می‌کنند و سر جماعتی را کلاه می‌گذارند.

هم به نفع خودشان ماهی بگیرند. کافی است در این شرایطی که چندرغاز پول درآوردن هم برای خیلی‌ها آرزوست، سری به صفحات مجازی و برخی تبلیغات و سایت‌ها بزنید؛ صفحات و سایت‌هایی که شما را دعوت به میلیاردر شدن در یک روز و یک هفته و یک ماه می‌کنند. سایت‌هایی که می‌گویند کاری نکنید تا پولدار شوید، صفحاتی که تمام چیزهایی را که خودتان می‌دانید، دوباره به شما تحویل می‌دهند و

بر دنیا را هم که می‌گذاریم یک طرف دیگر و خلاصه اینکه هیچ چیز سر جای خودش نیست و حال هیچ کس خوش نیست! می‌خواستیم بنویسیم چنین فضایی را تصور نکنید، که دیدم خب در یک چنین فضایی درحال زیست هستیم و زندگی می‌کنیم. وقتی همه چیز این قدر نابسامان است، وقتی همه چیز این طور به هم ریخته و وقتی آب اینچنین گل آلود شده است، غیرطبیعی نیست که عده‌ای حتی از این آب گل آلود

کسب و کارها که یکی درمیان زمین می‌خورند، قیمت ارز و طلا هم که سر به فلک کشیده، ماشین و خانه را هم که اصلا صحبتش را نکنید. چند صد سال طول می‌کشد یک کارگر با این میزان حقوق بتواند صاحب خانه شود، تازه اگر اوضاع بدتر از چیزی که هست نشود. امید به زندگی و... را هم که من صحبتی در رابطه‌اش نمی‌کنم. بیکاری و بیماری و فضای عجیب و غریب حاکم

### دانسته‌های خودمان را به خودمان می‌گویند و بابت آن پول می‌گیرند!

که همه ما می‌دونیم روز روزی بیج و تروتمیزتر به خورد آدم میدان و با فن سخنوری که بلدن، حسابی گولت می‌زنن و سرآخر هم هیجی دست‌رومی گیره. به عنوان مثال می‌گفت اگر می‌خواهید تبلیغ اینستاگرامی کنید به پیج‌هایی سفارش تبلیغ بدید که مخاطب‌هاشون در راستای حرفه و فعالیت شما باشن، خب این رو که همه می‌دونن! برای همین بدیهیات کلی پول از کلی آدم ساده مثل من می‌گیرن و تپش هم هیجی. «شبهه به تجربه مهدی را خیلی دیگر از افرادی که در این دوره‌ها و کلاس‌ها حاضر بودند، داشتند و گفتند. به‌نظرم نکات و مسائل مهم‌تری هم وجود دارد و برای همین خیلی لازم نیست محدود به گفته‌های مخاطبان باشیم.

ابتدا با چند نفر از آنهایی که در دوره‌ها و کلاس‌های موفقیت و کسب درآمد و... این افراد شرکت کرده بودند، حرف زدیم. مهدی که چند وقتی است کسب و کار کوچکی راه انداخته، به من گفت: «راستش تازه که کسب و کارم رو راه انداخته بدم دوست داشتم خیلی زود به نتیجه و درآمد بالا برسه. برای همین مرعوب تبلیغات و توصیه‌های این افراد شدم. اول راه یک دوره رایگان از کلیپ‌ها و صوت‌های کلاس‌های موفقیت‌شنون رو برام فرستادن و من دیدم و بعد هم که حسابی سر ذوق اومدم و راضی شدم، بهم پیشنهاد کردن تو دوره‌های اصلی ثبت نام کنم. من هم این کارو کردم. مدام می‌گفتن تو مدت زمان کوتاهی کسب و کارت می‌گیره، اگر به این چیزایی که ما می‌گیم گوش بدی و... خلاصه حدود دو میلیون برای چند جلسه محدود پرداخت کردم، اما دریغ از ذره‌ای پیشرفت تو کار! حرف‌ها و ترفند‌هایی

تکرار کن: دارم ثروت بی‌نظیری را به دست می‌آورم، تو روح خدا هستی، پنج میلیون سرمایه ساعتی سه میلیون درآمد، پنج میلیون سرمایه پنج میلیارد درآمد، ۶ راه برای افزایش درآمد، ۷ راه برای علاقه بیشتر به زندگی، ۱۰ راه برای موفقیت در بورس و... این‌ها همه بخشی از شعارها و تبلیغات است که حول محور رسیدن به موفقیت و پول در برخی صفحات اینستاگرامی و برخی سایت‌ها می‌بینید. اصلا کار سختی نیست، کمی درباره موفقیت جست‌وجو کنید، الی ماشاءالله از این صفحات و افرادی که صدایشان را روی سرشان گرفته‌اند و فریاد می‌زنند و مشتری جذب می‌کنند و خودشان را پولدار و بی‌پول‌ها را بی‌پول تر می‌کنند. آشنایی چندانی با این فضا نداشتم، ولی برای درک بهتر مساله

### درآمدهای میلیاردری از برگزاری دوره‌های موفقیت!

که مجله‌ها را برای آن بود قوی بود. افرادی که در تجربه این مجلات بودند، اساتید موفقیت بودند. یکی موفقیت در کسب و کار، دیگری موفقیت بازاریابی و... الان هم اگر بخواهید سررشته‌ای در این زمینه پیدا کنید، در این مجلات پیدا می‌کنید. من این افراد را به دو دسته تقسیم می‌کنم؛ یک سری همانند دکتر حلت، دکتر آرمندیان، گوروش معدلی و... که قدیمی‌های این حوزه هستند. آرمندیان از زمان فیلم‌های ویدئویی کار می‌کند و فیلم‌های آن موجود است و الان روی فلش و سایت محتوای آن موجود و در دسترس است. اما یک سری از اینها جدید هستند. به‌صورت کلی هر دو گروه یکی و در یک مسیر هستند، ولی افراد جدید تندرتری دارند و می‌توان گفت اکثر آنها موفق هستند. قدیمی‌ها به‌دوران گذار رسیده‌اند و در سخنرانی‌های خود می‌گویند کسانی که می‌گویند یک شبه میلیاردر شوید دزد هستند. می‌گویند قانون جذب درست است، اما باید کار کنید و با گوشه‌خانه نشستن درست نمی‌شود. اینها، این قدیمی‌ها به دوران پختگی و گذار رسیده‌اند و فکر کنم سرشان به سنگ خورده است. افراد جدید به‌صورت رپورتاژ در مجله پول پرداخت می‌کنند و مقاله و مطلب آنها چاپ می‌شود و اسم اینها دیده می‌شود و می‌توانید رشان را از آن جاها هم پیدا کنید. در رابطه با منبع درآمد این افراد باید بگویم اینها از طریق آموزش درآمد دارند. یک مطلبی را بلد هستند و این مطلب را تکرار می‌کنند و داد می‌زنند. یاد هست فقط پول اجاره سالن آمفی تئاتر را پرداخت می‌کردند و در سایت یا جای دیگر تبلیغ می‌کردند و نفری ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان هم از هر متقاضی قدیم‌ترها هزینه می‌گرفتند. این مبلغ کامل برای

هزینه دوره پایین‌تر از ۳ تا یک میلیون تومان پیدا نمی‌کنم. به پیج‌های زیادی سرزده‌ام؛ از شاخص‌ترین افراد تا کم‌نام‌ترین‌ها! سه میلیون تومان برای یک دوره کوتاه موفقیت! فکورش را بکنید، دوره‌ای که در یک سالن آمفی تئاتر با حداقل هزینه برگزار می‌شود، حداقل ۳۰۰ مخاطب دارد و هر نفر هم در کمترین حالت ۳ میلیون تومان پرداخت کرده است. عدد شگفت‌انگیزی است، اما از این شگفت‌انگیزتر اینکه همین دوره ضبط می‌شود، در قالب فایل دوره در سایت هم به فروش می‌رسد و آن عدد قبلی را شگفت‌انگیزتر هم می‌کند. کرونا هم خیلی روی کسب و کار اینها اثر گذاشته و فقط مدل دوره را به جای حضوری به غیر حضوری و وینار تغییر داده است. بهتر هم شده، محدودیت جا وجود ندارد و درآمد بیشتر و هزینه کمتر هم شده است. با یکی از افرادی که مدت‌ها در این حوزه و با افراد فعال در حوزه موفقیت کار کرده است گفت و گویی انجام دادم. از جزئیات این بازار عجیب و غریب و پول‌های هنگفتی که ردوبدل می‌شود به «فرهیختگان» می‌گویند: «به‌صورت کلی سه نشریه در زمینه موفقیت به‌صورت رسمی کار می‌کردند و می‌کنند. یکی مجله موفقیت که برای آقای حلت است. دومی مجله خلاقیت و دیگری مجله‌ها را از انتشارات نواندیش است. اساتیدی که در زمینه موفقیت فردی کار می‌کنند، در این سه مجله حضور داشتند. این سه مجله در حوزه موفقیت کار می‌کردند. مجله‌ها را آنچنان رشد نکرد و بیشتر رقابت بین مجله موفقیت و خلاقیت بود، چرا که انتشارات نسل نواندیشان

### تندخوان‌های دهه ۷۰، کارشناسان بورس امروز شده‌اند!

دانشگاهی حتی روانشناسی را به شیوه‌ای که می‌شناسیم و معقول است و در دانشگاه هم تدریس می‌شود، از این جهت علم نمی‌دانند. نه اینکه ارزش کار را پایین بیاوریم. اما همین روانشناسی موفقیت را خود روانشناس هم قبول ندارند. در وضعیت جامعه ما که یک یأس عمومی از اتفاقات ایجاد شده و منطقی‌ها باید به حرف‌های دولت امیدوار باشیم، تقریباً یأس عمومی در روش‌های منطقی موفقیت به‌وجود آمده است. مردم امیدار دوست دارند و هم به امید نیاز دارند. وقتی مردم از همه جا می‌سوزند، به قول معروف فردی که در حال غرق شدن است، به هر غلظ هرزی چنگ می‌زند تا غرق نشود. وقتی همه می‌گویند شما مهندسی بخوانید پولدار می‌شوید، نمی‌شود؛ نمی‌شود؛ می‌گویند پزشکی و پرستاری بخوانید پولدار می‌شوید، نمی‌شود؛ به این ترتیب فرد متوجه می‌شود وقتی از راه‌های منطقی ناامید می‌شود ناچار است راه غیرمنطقی را طی کند. مردم در اینجایی تقصیرند، چون ناگاه هستند. مضاف بر این وقتی همایش‌های موفقیت و... از وزارت ارشاد یا نهاد متولی مجوز دارند، آن راقانونی می‌پندارند. در سالن دانشگاه شهید بهشتی همایش برگزار می‌کنند، مردم به آن اعتماد می‌کنند و هزینه می‌پردازند و شرکت می‌کنند. این افراد معمولاً آدم‌هایی هستند که هر چیزی مدمی شوروری موج آن سوار می‌شوند. این طور نیست که مرتبط به نهاد خاصی باشند. در سال ۷۵ و ۸۰ تندخوانی مدیود و بعد روی فضای انگیزشی وارد شدند و بعد علمی تر شد و وارد آموزش خانواده و ارتباط موفق شدند و در سه چهار ماه گذشته همه کسانی که با تندخوانی شروع کردند، سمت بورس آمدند. به هر حال اصطلاحی در بازار آزاد داریم که می‌گویند وقتی محصولی مشتری دارد، خیلی با رگول‌توری نباید جلوی آن را گرفت. مخصوصاً که غیرشرعی نیست. دولت هم نمی‌تواند جلوی اینها را بگیرد. تنها باید اطلاع‌رسانی شود، ولی جلویی از آن ممکن نیست. نکته دیگر اینکه مدل تاثیرگذاری اینها روی ذهن مردم و کسانی که کار انگیزشی انجام می‌دهند، در مجموع مدل‌های اعتیادآوری هستند. کلا جنس صحبت‌های انگیزشی تاثیرگذار و اعتیادآور است. این امر سبب می‌شود افراد وقتی از همایش انگیزشی بیرون می‌آیند، یکی دوروز حال خوبی دارند و وقتی سطح این احوال کاهش یافت، اینها نیاز دارند تجدید دوره

### روانشناسی موفقیت، نئولیبرالیسم را تعمیق می‌کند

است؛ یعنی نئولیبرالیسم به نفع طبقه برنده ساختارها را عوض می‌کند و روانشناسی موفقیت ابزاری است تا به طبقه بازنده بگوید شورش نکنید و این وضعیت تقصیر خودت است. بازی کاملاً روشن است. در سطح جهانی یک میلیارد کتاب روانشناسی موفقیت در جهان فروش می‌رود که در آن فروشندگان کتاب موفق می‌شوند. اگر فردی باشد که در مسیر موفقیت نیاز به راهکارهای کسب موفقیت ندارد، شما فرد شکست خورده‌ای هستید. دلیل اینکه طرفدارهای این حوزه زیاد شده‌اند این است که شکست خورده‌ای زیاد هستند. بازندگان زیاد هستند. روانشناسی موفقیت همان برنامه عصر جدید است که آقای علیخانی تهیه می‌کند. این حوزه دائماً به پایینی می‌گوید ساختار خوب است و می‌توانید بپرید، ولی خودتان مشکل دارید، تلاش شما کم است، رازهای جهان را نمی‌دانید، مثبت‌اندیش نیستید. به عبارت دیگر اینها ابزار نئولیبرالیسم هستند. اگر نئولیبرالیسم نبود، روانشناسی موفقیت و هالیوود به این معنا نبود. در روانشناسی کلاسیک و علمی طبیعتاً این حرف‌ها جرت‌وپرت است. زخم درونی ما را مناسبات اجتماعی همچون فقر ایجاد کرده است. چطور می‌خواهید از طریق مثبت‌اندیشی این را حل کنید؟»

یکی از نکات قابل تامل در رابطه با این دوره‌ها و افراد سودجوی حاضر در این عرصه، مشروعیت است که آنها از سیستم دریافت می‌کنند. هیچ نهاد و سازمانی هیچ گونه مقاومت و مخالفتی با فعالان آنها ندارد و حتی برایشان گشایش‌هایی هم ایجاد می‌کند؛ آنتن تلویزیون در اختیار این افراد قرار می‌دهد، سالن‌های مجهز و معروف در اختیار آنهاست، کتاب می‌نویسند، تبلیغ می‌کنند، دانشگاه‌ها به این افراد تربیون می‌دهند و... هیچ کس نظارتی بر آنها ندارد و این بازار میلیاردتومان پول را به جیب تعداد محدودی از افراد و چهره‌های شناخته‌شده آن سرازیر می‌کند. بسیاری از اساتید این دوره‌ها خودشان در کسب و کارهایی که داشته‌اند ورشکست شده‌اند و آدم‌های موفقی نبوده‌اند و هیچ عقبه علمی و آکادمیکی هم ندارند، اما حالا مدرس دوره‌های موفقیت شده‌اند و... حسین کلهر، مجری و از مطلع‌ان و منتقدان این حوزه هم در رابطه با فعالیت و سوءاستفاده افرادی از فضای نابسامان موجود در جامعه و تکیه بر موفقیت و روانشناسی موفقیت به فرهیختگان گفت: «به‌طور کلی خیلی از علمای

همان طور که گفتیم، وضعیت موجود فضای حاکم بر اقتصاد کشور میزان بروز و ظهور این گروه را تعیین می‌کند. سیدمجید حسینی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در فضای اقتصاد سیاسی و در تحلیل جولان این گروه و روانشناسی موفقیت در جامعه به «فرهیختگان» گفت: «روانشناسی موفقیت حاصل دوره نئولیبرال است؛ یعنی دوره‌ای که پایینی‌ها دائماً در رویای رسیدن به بالا هستند، ولی قرار نیست برسند. دائماً نئولیبرال درصدد این است که بگوید اگر به بالا نمی‌رسید تقصیر خودتان است. درحقیقت روانشناسی موفقیت راهکار اقتصاد نئولیبرال برای این است که تقصیر را از گردن ساختارها بردارد. دائماً می‌گوید تقصیر ساختار و وضعیت نیست، بلکه تقصیر خودتان است. اقتصاد سیاسی با زوری فرهنگی دارد، با زوری فرهنگی نئولیبرال سینمای روایساز هالیوود است و دیگری روانشناسی موفقیت است تا مساله را همواره فردی کند. به شما همواره توضیح می‌دهد اگر آینده ندارید و اگر بدبخت هستید، به دلیل این است که راه‌های موفقیت را بلد نیستید و تقصیر خودتان است. درحقیقت کمک می‌کنند نئولیبرالیسم در مردم تعمیق شود. چون این مردم به شدت نئولیبرالیسم هستند؛ پول می‌دهند به رویایی که قرار نیست برسند، دست یابند. در واقع سوژه نئولیبرال به دستگاه فرهنگی نئولیبرال